



## روزی به یاد ماندنی

پنجشنبه ۲۳ تیر برابر با ۱۴ جولای ساعت یک و نیم بعدازظهر به وقت تهران، قاضی توماس ساندروز در یک کنفرانس مطبوعاتی حکم دادگاه حمید نوری معروف به عباسی دادیار زندان گوهردشت در تابستان خونین ۶۷ را اعلام کرد. براساس حکم دادگاه استکهلم، حمید نوری به دلیل مشارکت در کشتار سراسری زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در زندان گوهردشت، جایی که وی بعد از ناصریان (قاضی مقیسه) مهم‌ترین مسئولیت را در این زندان برعهده داشت، به حبس ابد محکوم شد.

در سوئد حبس ابد شدیدترین و بالاترین حکمی است که به یک مجرم می‌توان داد. اما نکته مهم این است که در سوئد حکم ابد محدودیت زمانی ندارد. به همین دلیل، هم اکنون در سوئد محدود زندانیانی هستند که با حکم حبس ابد بعد از سی سال همچنان در زندان بسر می‌برند. یک زندانی که حبس ابد گرفته است، بعد از ۱۰ سال می‌تواند تقاضا دهد تا به او حکم قطعی بدهند که متناسب با پرونده دادگاه درباره‌ی آن تصمیم می‌گیرد که براساس قوانین سوئد ۱۵ تا ۱۸ سال خواهد بود، اما در عین حال دادگاه می‌تواند این حکم را قطعی نکرده و زندانی همچنان در زندان بماند. بنابراین جدا از احتمالات خارج از مسائل قضایی و حقوقی مانند مبادله زندانی با جمهوری اسلامی، براساس قوانین سوئد با اتهامات سنگینی که حمید نوری به دلیل آن محکوم به حبس ابد شده، او نمی‌باید حتی بعد از ده تا پانزده سال از زندان آزاد شود.

قبل از اعلام حکم، در میان دادخواهان شور و شغف بسیار اما آمیخته با اضطراب حاکم بود، اضطراب از این‌که آیا ممکن است نوری محکوم نشود؟ آیا ممکن است با یک حکم سبک و با توجه به این که نزدیک سه سال در زندان بسر می‌برد از زندان آزاد شود؟ این‌ها سوالاتی بود که در ذهن برخی از دادخواهان نقش بسته بود. همچنین اقدام پلیس که دوردور ساختمان دادگاه را بسته و ساعت ۱۲ نیز ورود و خروج به ساختمان دادگاه را ممنوع کرد، بر اضطراب افزود. وجود این نگرانی را برای نمونه می‌توان در رفیق عزیزی دید که مسئول پخش مستقیم کنفرانس خبری بود. بعد از این‌که قاضی ساندروز اعلام کرد حمید نوری به حبس ابد محکوم شده است، این رفیق از خوشحالی فریاد زد YES YES. اما واقعیت این بود که حمید نوری به حبس ابد

درصفحه ۲

## بایدن و سیاست جدید امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه

برای مقابله با بحران عمیق اقتصادی که تمام کشورهای جهان را فراگرفته و به‌ویژه اروپا را با بحران انرژی شدیداً تحت تأثیر قرار داده است، از عربستان سعودی درخواست کند تولید و صدور نفت را افزایش و به تعدیل بهای آن یاری رساند. واقعیت این است که کشورهای اروپایی و آمریکا که در پی بحران ۲۰۰۷ هرگز نتوانستند به یک دوران رونق نسبی دست یابند، پس از دو سال بیماری کرونا با تورمی شدید روبه‌رو شده‌اند و هم‌اکنون نرخ تورم رسمی در این کشورها حدود ۱۰ درصد و گاه بسیار بیش از این رقم است. تحریم‌های نفتی روسیه، بحران انرژی و رکود و تورم را در تمام کشورهای

درصفحه ۳

تحولات سیاسی خاورمیانه در هفته گذشته تحت‌الشعاع سفر رئیس‌جمهوری آمریکا به این منطقه قرار داشت. محرک این سفر رقابت قدرت‌های بزرگ امپریالیست و بحران اقتصادی و سیاسی جهان سرمایه‌داری بود. در پی حمله نظامی امپریالیسم روس به اوکراین و تشدید تضادها میان قدرت‌های امپریالیست جهان، بحران بی‌سابقه‌ای در مناسبات میان این قدرت‌ها پدید آمده است. بایدن که یکی از آتش بیاران معرکه جنگ اوکراین و ادامه آن است، مقدم بر هر چیز در این سفر تلاش نمود سیاست جدید دولت آمریکا را در مرحله جدید تشدید تضادها به متحدان خاورمیانه‌ای امپریالیسم آمریکا اعلام و برای عملی ساختن آن تلاش کند. در وهله بعد

## در هفت‌تپه اعتصاب جدیدی در راه است

درصفحه ۵

## استیصال جمهوری اسلامی از مقاومت "مادران"

سعید دامور نیز در منزل شخصی اش در کرج بازداشت شد. مهرداد بختیاری، عموی پویا بختیاری نیز پس از انتشار ویدئویی در خصوص نحوه بازداشت ناهید شیرپیشه و انتشار تصاویری از قفل شکسته درب منزل او، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد.

جمهوری اسلامی اما تنها به بازداشت های فوق بسنده نکرد و همزمان با دستگیری این تعداد از اعضای خانواده جانبختگان قیام آبان ۹۸، خبرگزاری فارس، نزدیک به نهادهای امنیتی با انتشار مطلبی موهن، مادران بازداشت شده را "اغتشاشگر" خواند و آنان را به "دریافت پول برای ایجاد اغتشاش و ناامنی" در ایران هم متهم کرد.

این اولین بار نیست که "مادران" جانبختگان

درصفحه ۸

استیصال جمهوری اسلامی از مقاومت "مادران" روز دوشنبه ۲۰ تیر ماه ۱۴۰۱، نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی با یورش به منازل خانواده های جان باختگان آبان ۹۸، تعدادی از آنان را بازداشت و به مکان های نامعلومی منتقل کردند.

ناهید شیرپیشه و مهرداد بختیاری، مادر و عموی پویا بختیاری، سکینه احمدی مادر ابراهیم کتابدار، رحیمه یوسف زاده مادر نوید بهبودی، محبوبه رضوانی مادر پژمان قلی پور، سعید دامور برادر وحید دامور، طلعت مشکلی و سمیه جعفرپناه مادر و خواهر محسن جعفرپناه، ایران الهیاری مادر مهرداد معین فر و زینب محمدی مادر محمد طاهری از جمله بازداشت شدگان این روز هستند. بازداشت سکینه احمدی، رحیمه یوسف زاده و محبوبه رضوانی در منزل شخصی رحیمه یوسف زاده در تهران صورت گرفت و

## محکومیت حمید نوری (عباسی)،

## پیروزی سترگ جنبش آزادیخواهی و دادخواهی

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

۴

## روزی به یاد ماندنی

محکوم شد و دادگاه می‌بایست به او این حکم را می‌داد. اول این‌که شواهد و مدارک در رابطه با هویت و نقش حمید نوری در دستگاه قضایی رژیم و به طور خاص در جریان اعدام‌های سال ۶۷ در زندان گوهردشت قاطع بودند و غیرقابل قبول بود که دادگاه آن‌ها را رد می‌کرد.

دومین موضوع سیاست اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی و گروهان‌گیری‌های‌اش بود. اتحادیه اروپا به دلیل ترورهای اخیر جمهوری اسلامی در اروپا از جمله دو ترور در کشور هلند و سپس تلاش برای انجام عملیات تروریستی با مواد منفجره در گردهمایی "سازمان مجاهدین خلق" در فرانسه، به این نتیجه رسید که باید با افزایش فشار به جمهوری اسلامی، او را از انجام این کارها باز دارد. اما از سوی دیگر جمهوری اسلامی که می‌داند سیاست اتحادیه اروپا حفظ و بقای جمهوری اسلامی هست، نه تنها عقب‌نشینی نکرد، بلکه فشار بر دولت‌های بلژیک و سوئد را با دستگیری چند تبعه این دو کشور افزایش داد. بنابراین از این زاویه نیز دخالت دولت سوئد به نفع حمید نوری و تلاش برای تامین خواست جمهوری اسلامی یعنی عدم محکومیت وی، برخلاف تصور جمهوری اسلامی در شرایط مشخص کنونی عملاً غیرممکن بود.

به عبارت دیگر جمهوری اسلامی با تهدید به اعدام جلالی و دستگیری سه تبعه سوئدی، نه تنها نتوانست دولت سوئد را مجبور به دخالت برای آزادی وی کند، بلکه برعکس موضوع را به زیان سیاست جمهوری اسلامی پیچیده‌تر کرد.

به این موضوع البته باید انعکاس وسیع دادگاه حمید نوری را نیز اضافه کرد که موضوعی بسیار مهم است. انعکاس وسیع دادگاه یک عامل مهم دیگری بود که معامله بر سر نوری را حداقل به زمانی دیگر موکول کرد، همان‌طور که انعکاس معامله دولت بلژیک با جمهوری اسلامی که به اعتراضات وسیعی منجر شد، دولت بلژیک را با یک بحران روبرو ساخت که یکی از نتایج آن تاکنون استعفا و وزیر خارجه بلژیک بوده است.

واقعیت این است که اصل محکومیت حمید نوری به‌خاطر مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ بسیار مهم‌تر از محکومیت اسدی نیلمت جمهوری اسلامی در بلژیک بود. علت آن نیز کاملاً روشن است. محکومیت حمید نوری به‌منای محکومیت کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ در یک دادگاه اروپایی و در نتیجه محکومیت تمامی آمران و عاملان این جنایت بزرگ است، از خمینی به‌عنوان کسی که دستور اجرای اعدام‌ها را داده بود تا اعضای کمیسیون مرگ همچون ابراهیم رئیسی که امروز رئیس جمهور است و خامنه‌ای که در آن زمان رئیس جمهور بود.

برگزاری تظاهرات سازماندهی شده متعدد در برابر سفارت سوئد از سوی مزدوران جمهوری اسلامی، تماس‌های مکرر وزیر خارجه جمهوری اسلامی با وزیر خارجه سوئد، دیدار عبداللّه‌یان با فرزند حمید نوری همه از اهمیت این مساله برای جمهوری اسلامی حکایت دارند. جمهوری اسلامی ابتدا گمان می‌کرد می‌تواند این موضوع را بی‌سروصدا حل کند، اما انعکاس وسیع دستگیری و سپس دادگاه

شدگان سال‌های اخیر مانند نوید افکاری را با دادخواهان دهه‌ی ۶۰ همدل‌تر و نزدیک‌تر ساخت.

اما باید توجه داشت که دادخواهی همچنان راه نشواری در پیش‌رو دارد. برای نمونه گاهی گفته می‌شود این‌که حمید نوری چقدر در زندان بماند مهم نیست، دولت سوئد بالاخره با جمهوری اسلامی معامله خواهد کرد. اما اتفاقاً باید گفت یکی از عرصه‌های مبارزه، ممانعت از معامله این دولت‌ها با جمهوری اسلامی است. حتا به‌طور واقعی باید بر این نکته انگشت گذاشت که معاوضه امثال حمید نوری و اسدی می‌تواند جمهوری اسلامی را گستاخ‌تر بکند و به ترور فعالین سیاسی در اروپا ادامه دهد. برای جمهوری اسلامی مشکلی نیست که چند تبعه اروپایی را دستگیر و سپس با این دولت‌ها وارد معامله شود. تنها عدم معامله از سوی دولت‌های اروپایی با جمهوری اسلامی است که می‌تواند جمهوری اسلامی را نسبت به اعمال تروریستی خود در اروپا محتاط‌تر کند. بنابراین از این زاویه به نفع دولت‌های اروپایی نیز نیست که وارد چنین معاملاتی با جمهوری اسلامی شوند.

در پایان باید به نقش خانواده‌های کمونیست‌های جان فشانده و زندانیان سیاسی چپ نیز اشاره کرد. واقعیت این است که این جریان نقش بسزایی در مطرح کردن این دادگاه در سطح جامعه داشت. ابتکار پخش مستقیم دادگاه یکی از این موارد بود که از سوی دیده‌بان ایران کلید خورد و تنها بعد از دیده‌بان ایران بود که برخی دیگر به صرافت این موضوع افتادند. از سوی دیگر تنها همین جریان بود که تمام تلاش خود را صمیمانه در مسیر دادخواهی و افشای جنایات رژیم گذاشت و از هیاهوها و جنجال‌هایی که دیگران برپا کرده بودند و حتا حمید نوری در دادگاه از این هیاهوها بهره برده بود، تا به آخر به دور ماند. این سیاست نه تنها بار دیگر صداقت کمونیست‌ها و خانواده‌های‌شان را به تصویر کشید، بلکه نشان داد، دادخواهی در ذهن آن‌ها تصویر مغشوشی ندارد.

کمونیست‌ها وقتی برای ممنوعیت صدور حکم اعدام مبارزه می‌کنند، یا شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد سر می‌دهند، و یا برای آزادی بی‌قید و شرط اندیشه، بیان و نشر، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و مانند آن‌ها مبارزه می‌کنند، این آزادی را تنها برای خود نمی‌خواهند بلکه واقعا به آن معتقدند همان‌طور که در مورد دادخواهی نیز همین‌گونه عمل کرده و فکر می‌کنند. کمونیست‌ها از دادخواهی، محکومیت جنایات جمهوری اسلامی و اعدام زندانیان سیاسی و نیز مجازات آمران و عاملان این جنایات را می‌فهمند و نه فقط محکومیت اعدام زندانیان سیاسی کمونیست. چرا که کمونیست‌ها با صدور حکم اعدام مخالفند، چرا که با به بند کشیدن انسان‌ها به خاطر عقایدشان مخالفند. روند دادگاه حمید نوری بار دیگر نشان داد که کمونیست‌ها، صادق‌ترین مبارزان هستند، مبارزانی که دل در گرو رهایی توده‌های ستمدیده ایران دارند، مبارزانی که دادخواه تمامی زندانیان سیاسی اعدام شده در دهه‌ی ۶۰، جان فشانندگان قیام آبان ۹۸ و تمامی کسانی هستند که در این راه از جان خود گذشتند، مبارزانی که دادخواه مادران خاوران، مادران قیام آبان و دیگر مادران و پدران عزیز از دست داده هستند. ۲۳ تیر برابر با ۱۴ جولای، محکومیت اولین مزدور جمهوری اسلامی به دلیل مشارکت در کشتار زندانیان سیاسی فراموش نخواهد شد. این روز زیبا و شیرین در یادها خواهد ماند.

حمید نوری، جمهوری اسلامی را در مرحله بعد و ادوار به واکنش‌های متعددی کرد. اما هر چه این واکنش‌ها تندتر و بیشتر شد، عملاً راه‌های فشار دیپلماتیک بر دولت سوئد برای آزادی حمید نوری نیز بسته‌تر شدند.

اما برگردیم به آن روز به یاد ماندنی. اگرچه با نزدیک شدن به کنفرانس خبری، هیجان آمیخته با اضطراب بویژه در میان خانواده‌های جان فشانندگان بالاتر می‌رفت و قلب‌ها تندتر و تندتر می‌تپید اما بالاخره در ساعت یک و نیم بعدازظهر به وقت استکهلم انتظارها به پایان رسید. حمید نوری در هر دو مورد اتهامی که دادستان‌ها در پروسه دادگاه مطرح کرده بودند به حبس ابد محکوم شد. فریاد خوشحالی، فریاد موفقیت از همه سو برخاست، فریاد موفقیت جنبش دادخواهی از این همه ظلمی که در طول تمام این سال‌ها بر خانواده‌ها و زندانیان سیاسی سابق از سوی جمهوری اسلامی روا داشته شده بود. اگرچه این موفقیت تنها یک گام محسوب می‌شد اما با این وجود ارزش بسیار داشت. اشک شوق، اشک امید، حاصل بیش از دو سال تلاش به بار نشسته بود. همگی یکدیگر را در آغوش می‌فشرند و از خوشحالی فریاد می‌زدند و اشک می‌ریختند. امید بیش از هر موقع دیگر در چشمان منظران می‌درخشید. امید به روزی که در ایران تمامی این جلادان در یک دادگاه مردمی محکوم شوند. نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنیم.

دادگاه نوری و محکومیت او، روزی به یادماندنی رقم زده بود. تصاویر رقابتی که اعدام شده بودند یک لحظه از ذهن و خاطر ما دور نمی‌شدند. برای آن‌ها همه بودیم و برای آن‌ها باقی مانده بودیم. برای آن‌ها به مبارزه ادامه داده بودیم، آن‌هایی که با صلابتی وصف‌ناپذیر مرگ را به‌خاطر آرمان‌های‌شان پذیرفته‌بودند، آن‌هایی که یاد عزیزشان را در قلب‌های مان برای ابد حک کرده‌ایم تا هرگز فراموش نشوند. و چقدر خالی بود جای مادران، پدران و دیگر عزیزان دادخواهی که دیگر در میان ما نبودند همچون مادر پنجه‌شاهی، مادر بهکیش، مادر ریاحی و بسیار مادران دیگر که تصاویر تعدادی از آن‌ها بر باندرول بزرگی که دیده‌بان ایران تهیه دیده بود، نقش بسته بود.

دادگاه حمید نوری بدون تردید چند نتیجه مثبت برای جنبش دادخواهی داشت. اولین مساله همان محکومیت جمهوری اسلامی است. اگرچه محکومیت یکی از این جنایتکاران به نام حمید نوری نیز اهمیت خودش را دارد. اما واقعیت این است که مساله برای همگی ما این بود که محکومیت نوری محکومیت جمهوری اسلامی و تمامی آمران و عاملان این جنایات است. یکی دیگر از نتایج این دادگاه امیدوست که در دل‌ها بارقه زد.

اما جدا از این‌ها یکی دیگر از نتایج مهم این دادگاه، آشنایی هر چه بیشتر مردم ایران، بویژه جوانان با جنایاتی‌ست که جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ مرتکب شد، دوره‌ای که جمهوری اسلامی همواره سعی کرده است آن را واژگونه جلوه دهد. آگاهی هر چه بیشتر مردم و بویژه جوانان از سوی دیگر یک قدم به جلو برای جنبش دادخواهی بود. چرا که شهادت‌ها و تصاویری که از سوی شاکیان و شاهدان در دادگاه از آن دهه و جنایات رژیم ارائه شد، هملی و همیاری بسیاری از آن جوانان را به سوی دادخواهان جلب کرد. همچنین دیگر دادخواهان همچون مادران دادخواه قیام آبان ۹۸، دی ماه ۹۶ و دیگر دادخواهان همچون خانواده اعدام

## بایدن و سیاست جدید امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه

جهان تشدید کرده است. روشن است که این بحران یکی از نگرانی‌های جدی قدرت‌های جهان سرمایه‌داری است، چراکه عواقب اجتماعی و سیاسی در پی خواهد داشت و می‌تواند در تمام جهان سرمایه‌داری بی‌ثباتی سیاسی را افزایش دهد. تأثیر سیاسی این بحران اقتصادی امروز در خود آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین کشور سرمایه‌داری جهان تا به آن مرحله رسیده است که حتی بایدن در داخل آمریکا بایستی اعتمادی سیاسی عمومی رویه‌رو شده است. نظرسنجی‌های اخیر نشان داده است که حدود ۷۰ درصد از مردم آمریکا اعتمادی به وی ندارند و از سیاست‌های او ناراضی‌اند. بنابراین وی در این سفر تلاش خواهد کرد، تا جای ممکن به حل معضل بحران انرژی کمک کند و علاوه بر این بازارهای جدیدی برای سرمایه‌ها و کالاهای آمریکائی بگشاید. اما مسئله مهم فوری همانا پیشبرد سیاست جدید دولت آمریکا در رقابت با روسیه و چین در خاورمیانه است.

پس از شکست‌های امپریالیسم آمریکا در پی لشکرکشی نظامی به افغانستان و عراق که متضمن هزینه‌های هنگفت نظامی در شرایط تضعیف بنیه اقتصادی آمریکا همراه با تلفات سنگین چندین هزار نظامی آمریکائی بود، از دوران او باما تصمیم گرفته شد مداخله نظامی مستقیم آمریکا در شکل لشکرکشی تدریجاً کنار گذاشته شود، نیروهای نظامی آمریکائی از عراق و افغانستان خارج شوند، درگیری‌های نظامی منطقه‌ای بر عهده خود کشورهای این منطقه قرار گیرد و آمریکا بیشتر از طریق فروش و ارسال سلاح و حمایت‌های سیاسی از متحدان خود پشتیبانی کند. باین‌وجود پایگاه‌های نظامی امپریالیسم آمریکا به روال گذشته در کشورهای منطقه باقی ماند. این سیاست با به قدرت رسیدن بایدن تشدید شد که نمونه رسوای آن سپردن قدرت به طالبان در افغانستان و فرار هراسناک نظامیان آمریکائی از این کشور بود. سیاست بایدن در جهت پیش رفت که حتی مناسبات اسرائیل و عربستان سعودی، دو متحد اصلی آمریکا در خاورمیانه با دولت آمریکا به سردی و حتی در مورد عربستان و برخی کشورهای عربی دیگر به تیرگی گرائید. مناسبات آمریکا و عربستان سعودی از هنگام به قدرت رسیدن بایدن در ظاهر بر سر قتل جمال خاشقچی، در واقعیت اما در نتیجه سیاست موازنه خاورمیانه‌ای بایدن بر سر امتیاز دادن و کنار آمدن با جمهوری اسلامی در مقابل عربستان، حذف حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی از لیست گروه‌های تروریست، فشار سیاسی برای توقف جنگ در یمن، تیره شد. فروش تسلیحات به عربستان ممنوع و رژیم حاکم بر این کشور، حکومتی «منفور و مطرود» نامیده شد. پس از ماجرای افغانستان، متحدان منطقه‌ای آمریکا به این نتیجه رسیدند که دیوار حمایت آمریکا از آن‌ها، سست‌تر از آن است که بخواهند به آن تکیه کنند. از این‌رو رژیم اسرائیل برای مقابله با رقیب اصلی خود، جمهوری اسلامی به‌سوی ائتلاف‌های منطقه‌ای سیاسی و نظامی پوشیده و آشکار با همسایگان ایران روی آورد و

کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نیز تلاش نمودند از تکیه یک‌جانبه به آمریکا و حمایت‌های آن دست‌بردارند و مناسبات اقتصادی- سیاسی خود را با روسیه و چین تقویت کنند و حتی نیازهای تسلیحاتی خود را از این کشورها تأمین نمایند. مناسبات این کشورها با دولت بایدن به درجه‌ای از وخامت رسید که عموم دولت‌های عربی منطقه که زمانی گوش‌به‌فرمان دولت آمریکا بودند، اکنون حتی در تحریم‌های آمریکائی- اروپائی علیه روسیه نیز شرکت نکردند.

بایدن اکنون به خاورمیانه آمده بود که در جریان رقابت و نزاع امپریالیسم آمریکا با امپریالیسم روسیه و چین، مناسبات و خیم خود را با دولت‌های منطقه بهبود بخشد و مهم‌ترین کشورهای خاورمیانه را در خدمت اهداف اقتصادی و سیاسی خود بسیج کند. رئیس‌جمهوری آمریکا در عربستان پیرامون اهداف سفر خاورمیانه‌ای خود گفت: در نشست شنبه با سران منطقه، یک چارچوب محکم را برای نقش آینده آمریکا در خاورمیانه ارائه خواهد داد، او گفت: «ما در خاورمیانه خلایقی باقی نخواهیم گذاشت که روسیه و چین بخواهند آن را پر کنند و داریم در این زمینه به دستاوردهای مختلفی می‌رسیم.» وی روز شنبه ۲۵ تیرماه در اجلاس خود با سران کشورهای عربی منطقه در جده نیز گفت: «هر قدر که رقابت در دنیای جدید شدیدتر می‌شود و چالش‌های پیش‌روی ما پیچیده‌تر می‌شود، برای من روشن‌تر می‌شود که چقدر منافع آمریکا با موفقیت خاورمیانه در هم‌تنیده است.» لازم به ذکر است که در این اجلاس علاوه بر سران شورای همکاری خلیج‌فارس شامل عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی، قطر، عمان و کویت، سران دولت‌های مصر، اردن و عراق نیز شرکت داشتند.

در این میان دو کشور اسرائیل و عربستان سعودی در پیشبرد و موفقیت سیاست جدید بایدن نقش محوری دارند که وی تلاش کرد حمایت آن‌ها را به دست آورد. وی در اسرائیل به طبقه حاکم این کشور اطمینان داد که همچنان به روال گذشته از حمایت هم‌جانبه دولت آمریکا برخوردار است.

در بیانیه اورشلیم که پس از مذاکرات بایدن و نخست‌وزیر اسرائیل انتشار یافت بر مناسبات ویژه طرفین و تعهد آمریکا به تأمین امنیت اسرائیل و حفظ برتری نظامی آن تأکید شد. طرفین گفتند که جمهوری اسلامی نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد.

همچنین در بیانیه مشترک بر تعهد آمریکا به تمدید کمک‌های مالی نظامی سالانه به اسرائیل و کمک به برقراری روابط بیشتر اسرائیل با کشورهای خاورمیانه تأکید گردید.

جروزالیمست نیز در گزارش خود نوشت که "واشنگتن بر اجرای یادداشت تفاهم ۳۸ میلیارد دلاری ده‌ساله برای کمک نظامی به تل‌آویو و همچنین رسیدگی به تهدیدات نوظهور در منطقه تأکید کرده است."

باین‌همه بر سر اصلی‌ترین مسئله مورد اختلاف یعنی شیوه برخورد به جمهوری اسلامی توافقی

صورت نگرفت. درحالی‌که اسرائیل در تلاش بود که آمریکا را به رامحل نظامی و "بازگرداندن پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل و اجرای حداکثری تحریم‌ها" متقاعد سازد، بایدن بر دیپلماسی تأکید کرد و گفت: " آنچه بدتر از وضعیت امروز ایران خواهد بود، دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای است. هدف این است که ما بتوانیم به توافق هسته‌ای بازگردیم و آن‌ها را دور کنیم. دیپلماسی هنوز بهترین راهکار است."

نخست‌وزیر اسرائیل اما بعد از مراسم امضای «بیانیه اورشلیم» مجدداً تأکید کرد: "تنها راه برای متوقف کردن یک ایران هسته‌ای این است که ایران بداند جهان آزاد (برای متوقف کردن ایران) به‌زور متوسل خواهد شد."

دولت آمریکا یک امتیاز کوچک بر سر این مسئله به اسرائیل داد و بر حفظ نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا تأکید کرد.

رئیس‌جمهوری آمریکا سپس برای خالی نبودن عریضه دیدار کوتاهی هم با محمود عباس داشت. وعده‌های پوشالی همیشگی دولت آمریکا را تکرار کرد و گفت: " تعهد او به راهکار دو کشوری و لزوم برپایی کشور مستقل فلسطین در جوار اسرائیل، در مرزهای پیش از جنگ سال ۱۹۴۷، بدون خلل باقی‌مانده است. و برای حمایت از مردم ستم‌دیده فلسطین یک آنبات‌چوبی هم به وی داد و متعهد شد که ۲۱۰ میلیون دلار به آژانس ویژه سازمان ملل متحد در امور کم‌رسانی به فلسطینیان، کمک کند. همچنین متعهد شد که ۱۰۰ میلیون دلار به بیمارستان‌های فلسطینی کرانه باختری کمک نماید. بایدن اما هیچ حرف و سیاست جدیدی برای حل مسئله فلسطین که هم اکنون نیز یکی از سرمنشأهای نزاع‌های منطقه‌ای است، نداشت.

اما در سفر وی به عربستان چه گذشت؟ به‌رغم این‌که دولت عربستان دست‌به‌نقد امتیازی به بایدن داد و هم‌زمان با پرواز مستقیم بایدن از اسرائیل، حریم هوایی این کشور را به روی همه پروازهای تجاری به مبدأ و مقصد اسرائیل گشود که چراغ سبزی به بایدن در پیشرفت مناسبات با اسرائیل محسوب می‌شود، مع‌هذا در فرودگاه استقبال سردی از بایدن به عمل آمد. دولت عربستان فرماندار مکه را برای استقبال از وی به فرودگاه جده فرستاده بود.

تضعیف موقعیت آمریکا در رقابت جهانی قدرت‌های امپریالیست و تحولات بین‌المللی پس از جنگ اوکراین، بایدن را ناگزیر ساخته بود که وارد کشوری شود و با رژیم گفتگو کند که آن را حکومتی «منفور و مطرود» نامیده بود.

این‌که در جریان مذاکرات پشت پرده میان دو طرف چه گذشت و چه توافقاتی صورت گرفت، دقیقاً مشخص نیست.

اما رئیس‌جمهوری آمریکا در نشست خبری خود در جده گفت: "با توجه به تهدیدهای بسیار واقعی از سوی ایران و نیروهای نیابتی آن، ما به بررسی نیازهای امنیتی عربستان سعودی پرداختیم."

پیش‌از این سفر، رویتر به نقل از مقامات آمریکائی گزارش کرده بود که مذاکراتی بین طرفین برای لغو احتمالی ممنوعیت فروش تسلیحات به عربستان سعودی در جریان است.

## بایدن و سیاست جدید امپریالیسم آمریکا در خاورمیانه

بایدن همچنین گفت انتظار دارد عربستان «گام‌های بیشتری» برای پدیدار کردن بازار نفت در هفته‌های آینده بردارد. چنین به نظر می‌رسد که در این مورد تنها توافقی محدود صورت گرفته باشد. عربستان سعودی نمی‌خواهد توافقات خود را با روسیه در اوپک پلاس بر هم بزند.

در بیانیه مشترک دو کشور نیز آمده است بایدن بر تعهد مستمر ایالات‌متحده برای حمایت از "امنیت، دفاع از مرزها و تسهیل توانایی پادشاهی عربستان برای کسب قابلیت‌های لازم به‌منظور دفاع از خود در برابر تهدیدهای خارجی" تأکید کرده است.

در این بیانیه همچنین بر لزوم جلوگیری از مداخله ایران در "امور داخلی سایر کشورها، حمایت این کشور از تروریسم از طریق گروه‌های نظامی نیابتی و تلاش برای بی‌ثبات کردن منطقه" تأکید شد.

اما سفر بایدن به خاورمیانه تنها به مسائل سیاسی و امنیتی محدود نبود. یکی از جنبه‌های مهم این سفر زمینه‌سازی برای صدور سرمایه انحصارات آمریکایی، فروش تسلیحات و تلاش برای باز پس گرفتن بازارهایی بود که چین و روسیه در منطقه خاورمیانه به دست آورده‌اند. این را بایدن مکرر تأکید کرد و گفت: "ما کنار نمی‌رویم تا با ایجاد خلأ، چین، روسیه و ایران آن را پر کنند. ایالات‌متحده یک شریک فعال در خاورمیانه باقی خواهد ماند." از همین رو آمریکا و عربستان سعودی در جریان سفر جو بایدن به این کشور ۱۸ توافق‌نامه نیز در زمینه‌های مختلف امضا کردند. این توافق‌ها می‌تواند به کشورهایی که در اجلاس روز شنبه نیز شرکت داشتند بسط یابد.

بایدن در اجلاس مشترک با دولت‌های عربی منطقه نیز تلاش نمود با وعده و وعید مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران، اعتماد مجدد آن‌ها را به آمریکا به دست آورد و گفت که آمریکا "برای مقابله با تهدیدهایی که از طرف ایران متوجه منطقه است" به همکاری نزدیک با کشورهای حاضر در نشست ادامه خواهد داد. بنابراین یکی از نتایج سفر خاورمیانه‌ای بایدن به خاورمیانه، تشدید فشار سیاسی به جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

گرچه بایدن در سفر خود به خاورمیانه تلاش کرد مناسبات دولت آمریکا را با متحدان منطقه‌ای خود از طریق وعده‌های نظامی و امنیتی برای مقابله با جمهوری اسلامی بهبود بخشد، اما اختلافات و بی‌اعتمادی‌ها همچنان ادامه یافت. حتی در مورد افزایش صادرات نفت توسط عربستان سعودی هم توافق قابل ملاحظه‌ای صورت نگرفت. بهبودی در مناسبات دولت آمریکا با این دولت‌ها رخ داد اما نه آن چیزی که بایدن در نظر داشت. بعید است که دولت آمریکا در شرایط سیاسی کنونی جهان بتواند نقش گذشته خود را بار دیگر در خاورمیانه به دست آورد و رقیب قدرتمندی برای روسیه و چین باشد. سیاست جدید بایدن در خاورمیانه در واقع چیز جدیدی جز تشدید رقابت میان امپریالیسم آمریکا با امپریالیسم روسیه و چین در این منطقه نبود. آنچه در جریان سفر وی رخ داد، در محدوده این سیاست بود که آن‌هم بر سر اصلی‌ترین مسائل با موفقیت همراه نشد.

## محکومیت حمید نوری (عباسی)، پیروزی سترگ جنبش آزادیخواهی و دادخواهی



### اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

با حضور فعال و تلاش شبانه روزی خانواده‌های زندانیان سیاسی، فعالان سیاسی و جان بدربرندگان از قتل عام زندانیان سیاسی در دهه شصت سرانجام قضایی و هیئت منصفه دادگاه استکهلم پس از ۹ ماه بررسی، روز پنج شنبه ۱۴ ژوئیه برابر با ۲۳ تیر ماه ۱۴۰۱ رای نهایی خود را بر علیه "حمید نوری" یکی از جلادان گهر دشت، صادر کرد. حمید نوری با نام مستعار "عباسی" که در جریان قتل-عام زندانیان سیاسی به دستور خمینی جلد دستیار دادیار زندان گهر دشت و از عاملان و مجریان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان خونین سال ۶۷ بود، بنا به شواهد و مدارک مستند به اتهام شرکت در قتل-عام زندانیان سیاسی و جنایت جنگی در این دادگاه محاکمه و به حبس ابد که اشد مجازات در کشور سوئد است، محکوم شد.

در استانه‌ی سی و چهارمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، محکومیت حمید نوری که از همدستان هیئت مرگ: ابراهیم رئیسی، مصطفی پورمحمدی، حسین علی نیری و مرتضی اشراقی بود، خبر مسرت بخشی برای بازماندگان کشتارهای رژیم جمهوری اسلامی و جان بدربرندگان از این کشتارها و نیز پیروزی سترگی برای همه فعالین جنبش آزادیخواهی و دادخواهی ایران بود. محکومیت این جنایتکار، قدم بزرگی است برای تحت تعقیب قراردادن مزدوران و جانان رژیم جمهوری اسلامی که برغم جنایات بیشمار و قتل و چپاول دست رنج کارگران و زحمتکشان، در طی سالیان گذشته بدون هیچ نگرانی و با فراغ بال در کشورهای اروپایی و آمریکا و سایر کشورها در رفت و آمد و زندگی اشراقی هستند.

این نخستین بار است که پس از گذشت بیش از سه دهه که از قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۶۷ می‌گذرد، یکی از متهمان این پرونده دادگاهی و محکوم می‌شود. این دست آورد و حکم تاریخی در حالی صادر شد که در هفته‌های گذشته خبر افشای معاهده‌ی ننگین و شرم آور «مبادله‌ی زندانی میان ایران و بلژیک» منتشر شد. معاهده‌ی که میان دولت بلژیک و رژیم جمهوری اسلامی ایران در مارس ۲۰۲۲ به طور مخفیانه امضا شده است و طبق آن هر شخصی از اتباع ایران و بلژیک که مطابق حکم دادگاه‌های این دو کشور به حبس یا شکلی از محرومیت از آزادی محکوم شده باشد، مشمول این معاهده خواهد شد.

بنابر شواهد موجود هدف از این معاهده در این شرایط مبادله‌ی "اسدالله اسدی" دیپلمات / تروریست رژیم جمهوری اسلامی است که در سال ۲۰۱۸ به اتهام سازمان‌دهی برای بمب‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین خلق "در فرانسه توسط دستگاه قضایی بلژیک به ۲۰ سال حبس محکوم شده است. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن شاد باش محکومیت "حمید نوری" به تمام خانواده‌ها، بازماندگان و فعالین جنبش آزادیخواهی و دادخواهی که برای به نتیجه رساندن این پرونده تلاش کردند، افکار عمومی را برای محکوم کردن و افشای مماشات دولت بلژیک با رژیم جمهوری اسلامی فرا می‌خواند. هر چند احتمال معامله بین دولت سوئد با دولت جنایتکار جمهوری اسلامی وجود دارد ولی صدور حکم محکومیت حمید نوری؛ جنایات دهه شصت را در درجه اول از یک راز حکومتی خارج ساخت و بدان بعد جهانی داد و ثابا رژیم را برای لاپوشانی و انکار بیشتر این جنایات نزد افکار عمومی جهان رسوا ساخت؛ و این حکم برای دادگاهی کردن سران رژیم در آینده قابل استناد است.

بی شک با تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان و قیام عمومی، روزی فرا خواهد رسید که توده‌های مردم تحت ستم و استثمار طومار این رژیم ارتجاعی و مزدوران و باند‌های مافیائی اش را در هم پیچیده و تمام آمرین و عاملین جنایات و سیه روزی خود را به پای پاسخگوئی در دادگاه‌های خود بکشانند.

### سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم 24 تیر ماه 1401

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست  
امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری -  
حکمیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

## در هفتتپه اعتصاب جدیدی در راه است

بعد از یک دوره آرامش نسبی ناشی از تحقق برخی خواست‌های کارگران هفتتپه، با توجه به مشکلات و ابهامات بعد از واگذاری شرکت و پیگیری خواست‌ها، اوضاع به سمت اعتصاب و ناآرامی در چرخش است. چنین به نظر می‌رسد که بعد از خلعید از مالک اصلی شرکت نیشکر هفتتپه، دست وی از هفتتپه به‌کلّی کوتاه شده است. رویدادهای اخیر و آنچه اکنون در شرکت نیشکر هفتتپه و صنایع جانبی آن در جریان است نشان می‌دهد این‌گونه نیست. هنوز وضعیت مالکیت مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفتتپه قطعی نشده و نه‌فقط این، بلکه تجزیه و تفکیک بخش‌هایی از شرکت نیز آغاز شده و برخی از زیرمجموعه‌های آن مانند کارخانه رب گوجه به اسدبیگی یعنی همان مالک خلعید شده قبلی، واگذار شده و کارخانه mdf نیز با واگذار شده با درحال واگذاری به نامبرده است. این در حالی است که در اثر مبارزات درخشان و اعتصابات باشکوه چندساله کارگران هفتتپه با خواست محوری خلعید از اسد بیگی و شعار "نه رستمی نه بیگی- شرکت بشه دولتی"، سرانجام در بهمن سال ۹۹ رأی ابطال واگذاری کشت و صنعت نیشکر هفتتپه و خلعید از مالک خصوصی آن (اسدبیگی) صادر شد. صدور رأی البته هنوز به معنای اجرا و عملی شدن آن نبود. با تداوم پیکار و اعتراض و اعتصاب در هفتتپه، این حکم، تازه در اردیبهشت سال ۱۴۰۰ از رسانه‌های رسمی اعلام شد تا اینکه سرانجام در مرداد سال ۱۴۰۰ به اسدبیگی ابلاغ شد. باوجود آنکه یک سال از ابلاغ این حکم سپری شده اما این‌طور به نظر می‌رسد که اسدبیگی رانده‌شده از در، سعی می‌کند از پنجره وارد مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفتتپه شود. در مهرماه ۱۴۰۰ جلسه‌ای به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور در خصوص تعیین تکلیف شرکت کشت و صنعت هفتتپه برگزار شد و مدیریت این مجتمع به "شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان" واگذار و قرار شد که پس از سه ماه مالکیت قطعی این شرکت تعیین تکلیف شود که چنین نشد. همین‌که زمزمه اعتراض کارگران هفتتپه نسبت به این تأخیر بالا گرفت، اعلام شد وزارت اقتصاد مشغول ارزیابی از مدیریت جدید و وضعیت شرکت نیشکر هفتتپه است. بنابراین تصمیم قطعی در مورد واگذاری مالکیت این شرکت به "شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان" که مدیریت شرکت را برعهده گرفته است به بهانه این ارزیابی، بازهم به تأخیر افتاد. دوره ارزیابی وزارت اقتصاد نیز در ۲۸ خرداد سال جاری به اتمام رسید اما بلا تکلیفی وضعیت مالکیت هفتتپه پایان نیافت. اعتراض از حالت زمزمه خارج شد و کارگران آمادگی خود را برای اعتصاب و تجمع و اعتراض

خیابانی اعلام کردند. پنج تیر ۱۴۰۱، نامه مخبر معاون اول رئیسی به خان دوزی وزیر اقتصاد در خصوص "درخواست صدور مجوز واگذاری و انتقال مالکیت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفتتپه و ثبت تغییرات سهام به نام شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی" ارسال شد اما بازهم گرهی از مشکل اصلی باز نشد. جمعی از کارگران هفتتپه با انتشار اطلاعیه‌ای در تاریخ ۱۱ تیر با تیتر "هشدار! قبل از واگذاری شرکت به هفت طرح باید اعتراض کنیم!" ضمن اشاره به برخی وعده‌های انجام‌نشده مدیریت جدید، از ضرورت اعتراض و اعلام ناراضیاتی از این مدیریت سخن گفتند. اما بازهم توجهی به این هشدارها نشد که بماند، سکوت و بی‌تفاوتی یا در واقع همکاری و توافق ضمنی مدیریت جدید با واگذاری کارخانه رب گوجه و در ادامه آن کارخانه mdf به اسدبیگی نیز آشکارتر شد. اسدبیگی در تمام دوره سلطه کامل خود بر شرکت نیشکر هفتتپه و علی‌رغم تلاش‌های گوناگون برای تجزیه و تفکیک شرکت و یا فروش اراضی کشاورزی نتوانسته بود کار چندانی انجام دهد، اکنون در دوران خلعید از وی مدیریت طرح توسعه توانسته است مالکیت کارخانه رب گوجه را بگیرد و در تدارک تصاحب کارخانه mdf است. این رویدادی که به‌درستی از جانب کارگران هفتتپه جدی گرفته شده و با آن شدیداً به مخالفت و اعتراض برخاسته‌اند، گویای نه‌فقط کنار آمدن مدیریت جدید از جمله برخی از مدیران اسدبیگی از نمونه مدیران بازنشسته که هنوز در شرکت نیشکر هفتتپه مشغول به کار هستند با مالک پیشین خلعید شده است، بلکه گویای حمایت دستگاه‌های اداری و قضایی و سازمان خصوصی‌سازی از اسد بیگی و دشمنی آشکار آن‌ها با کارگران هفتتپه نیز هست. سه‌شنبه ۱۴ تیرماه کارگران کارخانه رب گوجه مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفتتپه، در محل ورودی شرکت دست به تجمع زدند و نسبت به واگذاری مالکیت این کارخانه به مالک قبلی اعتراض کردند. در کارخانه mdf نیز فشارهای گوناگونی علیه کارگران اعمال می‌شود. این فشارها بیش‌ازپیش خصوصاً علیه کارگران معترض و پیشرو اعمال می‌شود. برای نمونه کارگران متخصص و جوشکار به کار در قسمت پاکسازی و لایروبی و غیره وادار شده‌اند. آخرین اقدام علیه کارگران معترض، پرونده‌سازی و ممانعت از ورود برخی از کارگران و تهدید به اخراج آن‌ها بوده است. یکی از کارگران بنام "عادل سعدی" بعد از اینکه به اخراج تهدید شد، روز ۲۶ تیر به‌قصد خودکشی در محل کار با طناب خود را حلق‌آویز کرد که توسط دو تن از همکاران خود از مرگ حتمی

نجات یافت. از برخی دیگر از کارگران خواسته شده تعهد بدهند که دیگر در تجمعات کارگری شرکت نمی‌کنند. بدیهی است که کارگران آگاه و هوشیار هفتتپه نمی‌توانستند و نمی‌توانند در برابر این اجحافات و تلاش آشکار برای تجزیه و تفکیک بخش‌های مختلف شرکت نیشکر هفتتپه و باز شدن مجدد پای اسدبیگی به هفتتپه بی‌تفاوت باشند و نیستند. درست برعکس همزمان با آغاز این تحركات، هوشیارانه به آگاهی‌رسانی و مقابله با آن روی آورده‌اند. کارگران هفتتپه بر قطعی شدن مالکیت "شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان" و قطع کامل دست اسد بیگی از هفتتپه و صنایع جانبی آن تأکید دارند. ابراهیم عباسی منجری نماینده آگاه و محبوب کارگران هفتتپه، خطاب به مسئولینی که سرگرم همکاری با اختلاس گران هستند هشدار داد و گفت: "اگر واگذاری سهام کامل نیشکر هفتتپه، کارخانه رب گوجه و کارخانه mdf به طرح توسعه نیشکر خوزستان انجام نگیرد، شک نکنید اعتصاب سراسری از سر گرفته می‌شود. اول شوش، بعد استانداری و بعد پایتخت. خود دانید!" بنابراین روشن است که کارگران در تدارک اعتصاب و اعتراض خیابانی برآمده‌اند. در چنین شرایطی وزیر اقتصاد پذیرفت با نمایندگان کارگران نیشکر هفتتپه نشست داشته باشد و در مورد تکلیف نهایی مالکیت شرکت نیشکر هفتتپه توضیح دهد. در نشستی که با حضور چند تن از نمایندگان کارگران هفتتپه و وزیر اقتصاد برگزار شد نیز کارگران خواهان قطعی شدن مالکیت شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی و همچنین سایر مطالبات کارگران از جمله همسان‌سازی حقوق‌ها شدند. در اطلاعیه نمایندگان کارگران هفتتپه در خصوص جلسه با وزیر اقتصاد و بعد از پایان این جلسه چنین اعلام شد؛ که کارگران در این جلسه "قویاً خواستار قطعی شدن مالکیت شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی شده و بر همسان‌سازی حقوق‌ها نیز تأکید کرده‌اند. در عین حال وزیر اقتصاد نیز چنین اعلام نمود، علت تأخیر در واگذاری "ارزیابی از مدیریت جدید و وضعیت هفتتپه بوده تا اتفاقات گذشته در واگذاری‌ها تکرار نشود" و به دنبال آن اعلام نمود که "دولت از عملکرد مدیریت جدید رضایت کامل دارد و انتقال مالکیت هفتتپه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی به‌زودی اتفاق خواهد افتاد." در همان لحظاتی که نمایندگان کارگران هفتتپه، خواست‌های کارگران این شرکت از جمله تعیین تکلیف مالکیت شرکت را، در جلسه و جدال با وزیر اقتصاد پیش می‌بردند، جمعی از کارگران در صفحه ۶

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

## در هفتتپه اعتصاب جدیدی در راه است

هفته، اطلاعیه هشدار گونه دیگری را در تاریخ ۱۶ تیر انتشار دادند. در این اطلاعیه کارگران هفتتپه ضمن حمایت از نمایندگان خود اعلام کردند "اگر دیدید این مقامات دارند حرف‌های بیراه می‌زنند خودتان را خسته نکنید و برگردید ما اینجا خودمان و در خیابان تکلیف کار را مشخص می‌کنیم" در همین اطلاعیه از مردم شوش و سایر شهرهای خوزستان نیز خواسته شد که به تجمعات کارگران هفتتپه به پیوندند.

هم‌اکنون با وجود آنکه بیش از ۱۰ روز از جلسه نمایندگان کارگران هفتتپه با خاندوزی وزیر اقتصاد و وعده او که انتقال مالکیت هفتتپه به شرکت توسعه نیشکر به‌زودی اتفاق خواهد افتاد، سپری شده است، اما هنوز وضعیت مالکیت شرکت و همچنین موضوع بازگرداندن کارخانه رب گوجه که به اسد بیگی واگذار شده، همچنان نامشخص است.

روزنامه مهر در گزارشی به نقل از عید علی ناصری مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان، نوشت؛ واگذاری مالکیت هفتتپه مستلزم مصوبه سران سه قوه است. هرچه هست اما صبر و تحمل کارگران هفتتپه نسبت به چنین تأخیر طولانی‌مدتی به سر آمده است. در عین حال تجارب مبارزه به کارگران هفتتپه آموخته است که نمی‌توان و نباید صرفاً به وعده مقامات دولتی اعتماد کرد و نیک می‌دانند که هیچ خواستی بدون مبارزه برآورده نمی‌شود. خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۶ تیر ۱۴۰۱ از قول نماینده شوش در مجلس اعلام کرد "کشت و صنعت هفتتپه با مصوبه سران قوا به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی واگذار شد". اگر این خبر صحت داشته باشد باید گفت اولتیماتوم کارگران و نمایندگان هوشیار و آگاه آن‌ها نتیجه داده است. باین‌همه باید دید که ماجرا به‌طور واقعی به چه شکلی درآمده است. حتی اگر این واگذاری قطعیت یافته باشد اما هنوز خواست‌ها متعدد دیگر کارگران سر جای خودشان هستند و مبارزه در هفتتپه ادامه دارد. مقابله با تعرض آرام و با چراغ خاموش دولت آوردن اسدبیگی از حاشیه به متن آن‌هم باهدف تکه‌تکه کردن شرکت نیشکر هفتتپه، اکنون به یکی از موضوعات مهم در هفتتپه و شاید مهم‌ترین موضوع در لحظه فعلی تبدیل شده است. جرقه اعتصاب و تجمع، این بار از همین‌جا و اساساً در اعتراض به همین موضوع آغاز می‌شود. کارگران هفتتپه به‌صراحت اعلام نموده‌اند تحت هیچ شرایطی واگذاری کارخانه رب گوجه و کارخانه mdf نمی‌پذیرند.

تردیدی در این مسئله وجود ندارد که کارگران آگاه و هوشیار هفتتپه، جلو نفوذ گام‌به‌گام اسد بیگی را خواهند گرفت.

کارگران مبارز هفتتپه طی مبارزات قهرمانانه، اعتصابات یکپارچه و اعتراضات باشکوه خیابانی و باسابقه درخشان و بی‌مانندی که در برافراشتن پرچم شوراها در جنبش کارگری دارند، در برابر یکی از سیاست‌های اصلی دولت یعنی خصوصی‌سازی ایستادند و سلب مالکیت از مالک خصوصی هفتتپه را بر دولت تحمیل

کردند. کارگران هفتتپه بساط اسدبیگی را که توانسته بود گروه بزرگی از مقامات دولتی از وزیر و استاندار و فرماندار و دادستان و قاضی گرفته تا فلان نماینده مجلس و امام‌جمعه را بخرد و با خود همراه کند، از دروازه شرکت نیشکر هفتتپه بیرون انداختند، دیگر اجازه نخواهند داد از در دیگری وارد هفتتپه شود. کارگران هفتتپه پرداخت به‌موقع دستمزدها را پس از خلعید از اسد بیگی عملی کردند. ادامه کاری شرکت را تضمین کردند. برخی کارگران اخراجی به سرکار بازگشتند و با واگذاری شرکت نیشکر هفتتپه به شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان، یک آرامش نسبی ولو کوتاه‌مدت در صفوف کارگران ایجاد شد. اگر که وضعیت امروز کارگران هفتتپه را با دیروز که اسدبیگی همه‌کاره بود مقایسه کنیم، بدون شک کارگران هفتتپه دستاوردهای مهمی داشته‌اند و وضعیت امروزشان بهتر از دیروز است. اما این تمام ماجرا نیست. قرار نبوده و قرار نیست در وضعیت امروز درجا بزنیم بلکه برای فردایی بهتر باید تلاش و مبارزه کرد و این همان کاری است که کارگر هفتتپه خواهد کرد. وضعیت فردای شرکت نیشکر هفتتپه با توجه به رویدادهایی که به آن اشاره شد، اکنون مبهم و ناروشن است. نقص و کمبودهای زیادی هست که کارگران هفتتپه باید از سر راه خود بردارند. هنوز برخی از مدیران اسدبیگی مصدر کار هستند که باید برکنار شوند. بازگشت به کار اسماعیل بخشی یکی از خواست‌های مهم کارگران هنوز تحقق نیافته است. یکسان شدن دستمزدها در تمام شرکت‌های تابعه شرکت توسعه نیشکر، یکسان‌سازی قراردادهای تعیین تکلیف وضعیت کارگران فصلی و غیره از جمله خواست‌های دیگر کارگران است که تا این لحظه برآورده نشده‌اند. شورای اسلامی به‌رغم آنکه

دفترش توسط کارگران گل گرفته شد، کماکان به خرابکاری مشغول است. جریان آبرو باخته "عدالت‌خواهان" پیش برنده امیال و نوکر رئیسی نیز از هرگونه امکان و موقعیتی برای نفوذ درمیان کارگران بهره‌برداری می‌کند. شوربختانه معدود کارگرانی نیز یا طعمه این شکارچیان می‌شوند و یا از روی میل وارد بازی و نشست و برخاست با آن‌ها می‌شوند و بدیهی است که با این کار، میان خود و صف کارگران فاصله می‌اندازند. این‌ها البته ممکن است یکی دو نفر را فریب دهند و یا در بهترین حالت معدودی را به جرگه خود نزدیک سازند، اما هیچ پایگاهی درمیان کارگران نداشته‌اند و ندارند و نمی‌توانند مبارزات کارگران را به بیراهه ببرند یا در اتحاد کارگران خدشه وارد کنند.

آنچه در شرایط فعلی بسیار مهم است این است که کارگران هفتتپه هوشیاری خود را حفظ کنند و هرگونه تلاش و توطئه برای ایجاد شکاف و دودستگی درمیان کارگران را خنثی سازند، اتحاد خود را حفظ و آن را مستحکم‌تر کنند. بسیار مهم است که از تشکل مستقل و نمایندگان مبارز خود مثل همیشه قویاً حمایت کنند و در صورت لزوم به ترمیم آن اهتمام ورزند. مهم است که شورای اسلامی چی‌ها و نفوذی‌های "عدالت‌خواه" را رسوا و منفرد و طرد کنند و در کنار سایر خواست‌ها، خواست بازگشت به کار اسماعیل بخشی را از یاد نبرند. فراموش نکنیم که نیروی کارگران، در اتحاد و مبارزه متحد و متشکل آن‌هاست. آنان که در جلسه با نمایندگان کارگران وعده انجام کار می‌دهند و بعد از پایان جلسه آن را پشت گوش می‌اندازند، با اعتصاب و تجمع و اعتراض خیابانی است که مجبور می‌شوند به وعده خود عمل کنند و چه کسی است که نداند هفتتپه خود میدانی برای اثبات این واقعیت بوده است!



## استیصال جمهوری اسلامی از مقاومت "مادران"

با نام و نشان دیگری در جای جای کشور، گل واژه "مادران خاوران" در گستره ای به وسعت ایران گل داد. در قیام دانشجویی تیر ماه ۷۸، مادران داغدار دیگری به جمع مادران خاوران پیوستند. در اعتراضات سال ۸۸ جوانان دیگری کشتار شدند، خانواده های بسیاری به سوگ نشستند و "مادران" دیگری با جنبش "مقاومت مادران" همراه و همزاد شدند. در خیزش انقلابی دی ماه ۹۶، چهره جامعه دگرگون شد. با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر رژیم، ده ها تن از جوانان مبارز در کف خیابان ها برپیر شدند، تعدادی در زندان ها زیر شکنجه جان باختند و تعدادی هم به جوخه های مرگ سپرده شدند. در این میان اما "مادران" از بیافتادند. جنبش مقاومت مادران از "خاوران" فراتر رفت، تکثیر شد، از خط کشی های شهری و استانی کشور گذشت و در گستره ای به وسعت ایران با مقاومت و ایستادگی بر چهره خوفناک رژیم پنجه کشید.

در پی هر حرکت اعتراضی توده های مردم ایران، جمهوری اسلامی به سوی معترضان سلاح کشید، صدای شلیک گلوله ها در خیابان ها پیچید و خانواده های داغدار دیگری به رودخانه سرخ و جاری "مادران خاوران" پیوستند. سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط دو موشک سپاه پاسداران، جلوه های دیگری از پایداری خانواده های جان باختگان هواپیمای اوکراینی در گلوآژه "مادران" تجسم یافت.

در تمامی سال های حاکمیت نکبت بار جمهوری اسلامی، سال از پی سال کشتار شد و هر بار خانواده های دیگری داغدار شدند پایداری و ایستادگی خانواده های جان باختگان در جلوه گاه مقاومت "مادران" تجلی یافت. مقاومت "مادران" در پس هر کشتاری شتاب گرفت، خروش برکشید، به هر سو جاری شد، از لایلای سنگلاخ های جمهوری اسلامی عبور کرد و اکنون همانند رودخانه ای خروشان به "مادران آبان" رسیده است. آبان ۹۸، آبان خونین، آبان زخمی ایستاده بر نعش ۱۵۰۰ تن از جان باختگان افتاده بر کف خیابان ها. آبانی که "مادران" داغدار آن اکنون میان دو آئینه "خاوران" و "آبان" ایستاده اند و تکثیر و نامیرایی خود را فریاد می زنند. آبانی که اکنون مقاومت و ایستادگی "مادران" آن، رژیم را به استیصال و واماندگی کشانده است.

رژیمی ناتوان و مستاصل که در جدال با بحران ها موجود، در جدال با شرایط شکننده ای که او را از هر سو احاطه کرده است، همانند گاو زخمی به هر طرف شاخ می پراند. رژیم ناتوان و شکست خورده که اکنون کارش به جایی رسیده است که حتما نشست و برخاست معمولی "مادران آبان" را هم بر نمی تابد.

اینکه مقاومت مادران آبان، آرامش رژیم را گرفته است، اینکه مادران آبان از مرزهای وحشت رژیم عبور کرده اند و آشکارا جمهوری اسلامی را به چالش گرفته اند، اینکه مادران آبان با جسارتی کم نظیر تمامی هشدارها و تهدیدهای امنیتی جمهوری اسلامی را به هیچ گرفته اند، اینکه آنان ادامه زندگی خود را با زنده نگه داشتن

یاد و نام و خاطره ماندگار عزیزان جان باخته شان گره زده اند، کمترین تردیدی نیست. اما فراموش نکنیم که وحشت جمهوری اسلامی فقط در مقاومت مادران جان باختگان آبان خلاصه نمی شود. آنچه هیات حاکمه ایران را این چنین به وحشت و استیصال کشانده است، همانا زنده نگه داشتن خاطره روزهای پرشکوه قیام آبان ۹۸ و جان بخشیدن به روحیه سلحشورانه آن قیام شکوهمند در ذهن و جان توده های مردم ایران است. قیامی که طی چهار روز بیش از ۲۰۰ شهر و ۲۹ استان کشور را فرا گرفت. قیامی که ۱۵۰۰ تن از جوانان محروم و مردم به ستوه آمده ایران با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی کشته شدند و بیش از ۷ هزار نفر هم بازداشت شدند. قیامی که یادآوری و تکرار دوباره آن به کابوسی برای سران جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

"مادران آبان" با وقوف بر این ضعف و استیصال رژیم و با بهره برداری از فضای انقلابی حاکم بر جامعه، با بهره برداری از شکست های پیاپی جمهوری اسلامی در همه عرصه های داخلی و بین المللی و به طور خاص با بهره گرفتن از ناتوانی و واماندگی جمهوری اسلامی در خاموش کردن صدای اعتراضات توده های مردم ایران، با عزمی راسخ و روحیه ای مقاوم به دادخواهی از خون فرزندان خود برخاسته اند. آنان به تاسی از دوران انقلابی و برخوردار از شرایط و امکانات موجود اینترنتی توانسته اند نام و یاد عزیزان خود را از تک صدایی انحصاری روایات جعلی جمهوری اسلامی خارج کنند و پژواک راستین صدای آنان در متن جامعه باشند. پژواکی که هر روز قوی تر می شود و با قوی تر شدن انعکاس یادمان ۱۵۰۰ کشته آبان ۹۸، سلحشوری روزهای خونین آن قیام ناتمام نیز در متن جامعه پژواک داده می شود. و این همان نکته ای است که خشم و استیصال جمهوری اسلامی را نسبت به مادران آبان برانگیخته است.

شرایط و امکاناتی که اکنون مادران آبان از آن برخوردارند، هرگز برای "مادران خاوران" در دهه ۶۰ فراهم نبود و آنان در آن فضای تک صدایی انحصاری تبلیغات دروغین جمهوری اسلامی، می بایست ماه ها و سال ها زحمت می کشیدند تا گوشه ای از قتل و شکنجه و شرارتی را که جمهوری اسلامی در آن سال های مخوف بر آنان و فرزندان شان روا می داشت در ایران و جهان پژواک می دادند. با این همه، مقاومت ۴۰ ساله آنان اکنون گل داده است. محکومیت حمید نوری - از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷- به حبس ابد اولین نتیجه پر ثمر مقاومت "مادران خاوران" در مسیر دادخواهی است.

اکنون اما شرایط جامعه با سال های دهه ۶۰ به کلی متفاوت است. در شرایط انقلابی حاکم بر کشور، بازداشت مادران و برخی دیگر از اعضای خانواده جان فشانندگان آبان ۹۸، نه تنها برای رژیم آرامش خاطر فرام نداشت، نه تنها رژیم قادر به خاموش کردن فریاد دادخواهی

مادران آبان نشد، بلکه این اقدام سرکوبگرانه رژیم با واکنش اعتراضی گروه های مختلف اجتماعی از جمله کانون نویسندگان ایران و انجمن خانواده های جان باختگان هواپیمای اوکراینی و حمایت آنان از "مادران آبان" همراه شد.

کانون نویسندگان ایران روز چهارشنبه ۲۲ تیر با صدور اطلاعیه ای ضمن قدردانی از "پایداری و ایستادگی" مادران دادخواه، "سرکوب سازمان یافته از سوی حاکمیت و انتشار اخبار جعلی، اتهام زنی و پرونده سازی" علیه آنان را محکوم کرد و خواهان آزادی بی قید و شرط بازداشت شدگان اخیر و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی شده است. کانون نویسندگان ایران همچنین از آزادی خواهان سراسر جهان خواسته تا صدای رسای اعتراض به این سرکوبها باشند.

انجمن خانواده های جان باختگان پرواز پی اس ۷۵۲ نیز در بیانیه ای ضمن حمایت از خانواده های دادخواه آبان ۹۸ برخاست و نوشت: "دستگیری و سرکوب خانواده ها در ایران قابل تحمل نیست". این بیانیه، "اقدام شجاعانه خانواده های آبان، خانواده های خاوران، خانواده های زندانیان شکنجه شده و به قتل رسیده، خانواده های دی ماه ۹۶، خانواده های ۸۸، خانواده های قتل های سیاسی ۷۷، خانواده های پرواز و بسیاری دیگر در پیگیری دادخواهی" را "گذاشتن نقطه پایان بر ریخته شدن خون بی گناهان، پایان از دست دادن و سوگواری و اجرای عدالت" بر شمرده اند.

این کنش ها و واکنش های اجتماعی تفاوت شریطی را که اکنون "مادران آبان" در آن به سر می برند با دوران مخوفی که "مادران خاوران" در دهه ۶۰ گرفتار بودند، به خوبی نشان می دهد. این همه، برخاسته از شرایط انقلابی موجود است که از دی ماه ۹۶ رنگ و بوی دیگری به جامعه داده است. مقاومت مادران، واکنش گروه های اجتماعی نسبت به سرکوب و بازداشت مادران آبان و نیز سیر اتفاقات و اعتراضات عمومی جاری در کشور به خوبی نشان می دهد که رژیم به شکننده ترین دوران حیات خود رسیده است و دیگر هرگز با سرکوب و بازداشت و بگیر و ببند قادر به خاموش کردن صدای اعتراضاتی که در جای جای ایران بلند شده است، نیست.

در چنین شرایطی است که مقاومت ۴۰ ساله "مادران" با مقاومت عمومی توده های مردم ایران گره خورده است. مقاومتی که جمهوری اسلامی را به استیصال و درماندگی کشانده است. مقاومت و اعتراضی که می رود در ابعادی همگانی و با شکل گیری یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه توده ای طومار رژیم را در هم پیچد و بر ویرانه های آن حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان را مستقر سازد.

**زنده باد سوسیالیسم**

## استیصال جمهوری اسلامی از مقاومت "مادران"

سال های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی با اذیت و آزار و بازداشت و سرکوب مواجه می شوند. "مادران خاوران"، از جمله نخستین مادرانی هستند که با مقاومت و پایداری شان در حفظ "گلزار خاوران" و زنده نگه داشتن نام و یاد جانبازان دهه ۶۰، به طور مداوم مورد خشم و سرکوب نیروهای امنیتی بوده اند. مقاومتی که از همان سال های اولیه دهه ۶۰ آغاز شد و تا به امروز هم ادامه دارد. "مادران خاوران"، با در دست گرفتن پرچم دادخواهی از دل طوفان ها گذشتند، در مقابل رژیم سینه سپر کردند، سبیل و راهگشای مقاومت و ایستادگی برای "مادران" جانبازان سال های بعد و بعدتر شدند. مقاومتی که چندی است در چهره

"مادران آبان" گل داده است. "مادران" و "مقاومت مادران" از جمله واژه هایی هستند که در تمامی سال های حاکمیت مخوف جمهوری اسلامی همانند خاری آخته در چشم رژیم نشسته است. "مادران خاوران" نخستین واژه آشنایی بود که با حضور مادران، همسران و دیگر اعضای خانواده های جان فشانندگان کمونیست در گورستان خاوران - که رژیم لعنت آبادش می خواند- شکل گرفت و نام آنان از همان سال های نخست دهه ۶۰، با زنده نگه داشتن "گلزار خاوران" در ادبیات سیاسی ایران شکفته شد. با کشتار جمعی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و سپس شکل گیری خاوران هایی

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 979 July 2022



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان های زحمتکش، شریف و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می کنند

### اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین وسیله به اطلاع شما می رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیس بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

**Alternative Shorai**

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org>، <https://tvshora.com>

فیس بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی